



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
معاونت آموزش
اداره امتحانات کتبی

بسمه تعالی

امتحانات ارتقایی - شهریور ۱۳۸۹

پاسخنامه

پایه :	۲	موضوع :	اخلاق ۲
تاریخ :	۸۹/۶/۲۴	ساعت :	۱۸

نام کتاب: المراد من منیة المريد از اول تا النوع الثالث

لطفاً فقط به ۱۰ سؤال پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آفر نمره داده نمی‌شود - هر سؤال ۲ نمره

۱. صفاتی را که خداوند در قرآن کریم برای علما بیان فرموده‌اند، نام ببرید. ۲۱ (ع: ۱ د: ۲)

۱. ایمان. ۲. التوحید. ۳. البكاء والحزن. ۴. الخشوع. ۵. الخشية.

* استعمال ما يعلمه کلّ منهما شيئاً فشيئاً فإنّ العاقل همّہ الرعاية والجاهل همّہ الرواية ... عن أبي عبد الله (ع) قال: «إنّ العالم إذا لم يعمل بعلمه زلّت موعظته عن القلوب كما يزلّ المطر عن الصفاء». ۴۱ (ع: ۱ د: ۲)

۲. أ. با توجه به متن، تفاوت عاقل و جاهل را بنویسید. ب. حدیث را ترجمه کنید.

أ. اهتمام عاقل، عمل به علم است و اهتمام جاهل، نقل روایت است.

ب. اگر عالم به علم خود عمل نکند، موعظه او از دل‌ها می‌لغزد همان طور که باران از روی سنگ صاف می‌لغزد.

* مثال هذا الفقيه في الاقتصار على علم الفقه المتعارف مثال من اقتصر من سلوك طريق الحجّ على علم خرز الروية والخفّ ولا شك أنّه لو لم يكن لتعطّل الحجّ ولكن المقتصر عليه ليس من الحاج في شيء. ۴۷ (ع: ۲ د: ۲)

۳. مثال موجود در متن را توضیح دهید.

مثال این قضیه که صرفاً به شناخت فقه متعارف اکتفا می‌کند مانند کسی که در راه حج و انجام مناسک حج تنها به دانش دوختن مشک آب و کفش اکتفا کرده است.

شکی نیست که کسی که دوختن مشک و کفش را نداند نمی‌تواند مناسک حج را بجا بیاورد (چون بدون آب و کفش، طیّ طریق ممکن نیست) اما کسی که اکتفا به این دو کند به هیچ وجه حاجی نیست. در مورد فقیه نیز اگر علم فقه متعارف نباشد معرفت احکام تعطیل می‌شود منتهی به تنهایی کافی نیست و بالجمله شرط لازم است نه کافی.

* عن النبي (ص): أنّ الله تعالى قد تكفّل لطالب العلم برزقه خاصّة عمّا ضمنه لغيره. ۴۹ (ع: ۲ د: ۲)

۴. مقصود از حدیث مذکور چیست؟ شرط تحقّق آن چیست؟

بمعنی آن غیره يحتاج إلى السعي على الرزق حتى يحصل غالباً وطالب العلم لا يكلفه وكفاه الله مؤونة الرزق إن أحسن النية وأخلص العزيمة.

۵. اگر تبعیت از سلطان ظالم حرام است، همکاری برخی علما - مثل سید مرتضی و سید رضی - با دربار چگونه قابل توجیه است؟ ۵۲ (ع: ۱ د: ۱)

لو اتبعه ليجعله وصلة إلى اقامة نظام النوع واعلاء كلمة الدين وترويج الحق وقمع اهل البدع والأمر بالمعروف والنهي عن المنكر ونحو ذلك فهو افضل اعمال فضلاً عن كونه مرخصاً فيه وبهذا يجمع بين ما ورد من الذمّ وما ورد من ترخيص في ذلك.

* قال النبی(ص): لا تمار أخاک ولا تمازحه ولا تعدّه موعداً فتخلفه. ۵۷ (ع: ۱: ۲)

۶. أ. حدیث را ترجمه کنید. ب. حقیقت «مراء» چیست؟

ترجمه: با برادر ایمانی خود مراء نکن و با او مزاح و شوخی مکن و وعده‌ای نگذار که خلف وعده کنی.
واعلم حقیقة المراء: الاعتراض على كلام الغير بإظهار خلل فيه لفظاً أو معنى أو قصداً لغير غرض ديني أمر الله به.

۷. أ. تربیت صحیح در تعلّم علوم چگونه است؟ ب. تا چه زمانی باید به تحصیل یک فنّ اشتغال داشت؟ ۶۵ (ع: ۲: ۲)

أ. «أن يأخذ في ترتيب التعلّم بما هو الأولى» ويبدأ فيه بالأهمّ فالأهمّ فلا يشغل في النتائج قبل المقدمات ولا في اختلاف العلماء - في العقليات والسمعيات - قبل اتقان الاعتقادات.

ب. فإذا اشتغل في فنّ فلا ينتقل عنه حتى يُتقنَ فيه كتاباً أو كتباً إن أمكن (وليحذر التنقّل من كتاب إلى كتاب ومن فنّ إلى فنّ من غير موجب).

* الآداب المختصّة بالتعلّم مع شيخه حسب ما قرّره العلماء تفريعاً على المنصوص منها وهي أمورٌ ... قال بعض العلماء: «خطأ المرشد أنفع للمسترشد من صوابه في نفسه». ۷۱-۶۶ (ع: ۱ و ۲: ۲)

۸. أ. مهمّترین امر از امور فوق چیست؟ ب. کلام «بعض العلماء» مربوط به کدام یک از امور فوق است؟

أ. أهمّها أن يقدّم النظر فيمن يأخذ عنه العلم ويكتسب حسن الأخلاق والآداب منه.

ب. (الخامس: أن لا ينكر عليه ولا يتأمر ولا يشير عليه بخلاف رأيه رأياً أنّه أعلم بالصواب منه بل ينقاد إليه في أموره كلّها.

* وليعلم أنّ ذلّه لشيخه عزّ وخضوعه له فخر وتواضعه له رفعة وتعظيم حرمة مثوبة والتشمّر في خدمته شرف وقد قال النبی(ص): تعلّموا العلم وتعلّموا للعلم السكينة والوقار وتواضعوا لمن تعلّمون منه. ۷۰ (ع: ۲: ۲)

۹. متن فوق را ترجمه کنید.

متعلم باید بداند که اظهار ذلت و خاکساری در برابر استاد نوعی عزّت و سرافرازی است خضوع شاگرد در برابر استاد افتخاری است برای او، تواضعش موجب رفعت او می‌گردد حفظ حریم او پاداش دارد و سعی در خدمت به استاد شرف است. پیامبر فرمودند: دانش را بیاموزید و آرامش و متانت و وقار را برای علم فراگیرید و در برابر کسی که دانش می‌آموزید فروتنی کنید.

* إذا استفهمه الشيخ استفهام تقرير وجزم كقوله «ألم تقل كذا» أو «أليس مرادك كذا» فلا يبادر بالردّ عليه بقوله «لا» ونحو ذلك بل يسكت أو يُورَى عن ذلك بكلام لطيف يفهم الشيخ قصده منه فإن لم يكن بدّ من تحرير قصده وقوله فليقل «الآن أقول كذا» أو «أعود إلى قصد كذا» ويعيد كلامه ولا يقول «الذي قلته كذا» لتضمّنه الردّ عليه. ۷۶ (ع: ۲: ۲)

۱۰. متن فوق را توضیح دهید.

هنگامی که استاد با استفهام اقراری از شاگرد پرسید: «چنین نگفتی؟»، «آیا مقصود تو آن نبود؟» نباید جواب ردّ بدهد بلکه با سکوت یا لطافت و حفظ ادب به استاد ظاهر کند.

و نباید در مقام ردّ نظر استاد بگوید: «من چنین نظری دادم» و اگر مجبور شد که مقصودش را بیان کند باید بگوید: «الآن می‌گویم که ...» یا «برمی‌گردم از حرفم و ...» و نباید بگوید: «آنچه گفتم مقصودم چیز دیگری بود» زیرا متضمّن ردّ حرف استاد است.

۱۱. چهار مورد از «آداب المتعلّم فی درسه» را بنویسید. ۸۱ (ع: ۱: ۳)

۱. ابتدا به حفظ کتاب الله. ۲. مراعاة الطاقة في المطالعة والتحصيل. ۳. ملازمة الدواة والقلم والسکین. ۴. تقسيم الاوقات على ما يحصله. ۵. أن يیکّر بدرسه. ۶. أن يیکّر بسماع. ۷. مبالغة في الجدّ والطلب. ۸. الحذر من نظر نفسه بعين الکمال. ۹. آداب حضور المجالس.